

## مقدمه

### ساختار کتاب و ویژگی مهم آن

«کتاب کار» حاضر که اساس آن بر دو محور «تنوع» و «تکرار» استوار است، نتیجه سال‌ها تجربه مؤلف و استفاده از مهارت‌ها و شیوه‌های به‌کارگرفته شده سایر همکاران در امر تألیف و تدریس است و سعی شده ضمن توجه به رویکرد مؤلفین کتاب درسی و ارائه همه تمرین کتاب - البته در قالب شیوه‌های مؤلف - ویژگی‌ها و اهداف معین زیر را دربرگیرد:


1 بخش اول شامل «قواعد و واژگان» است. این بخش خلاصه‌ای از «قواعد» برای مرور سریع آن‌ها، «المفردات» یعنی واژگان مهم درس اعم از واژگان متن، تمارین و حواریات، «المرادفات» یعنی همه واژگان مترادف درس، «الأضداد»، لغات متضاد و «المصطلحات و التراكيب» یعنی اصطلاحات جدید و عبارات ترکیبی را شامل می‌شود.

2 بخش دوم «تمارین ترجمه» است که تلاش شده علاوه بر ارائه تمارین کتاب درسی، تمرین‌های متنوع دیگری نیز طراحی گردد. البته شده این تمرین‌ها از ساده به سخت طراحی گردد. در عین حال هدف این است که با تکرار واژگان و اصطلاحات در یادگیری و آموزش واژگان متن درس، کمک شایانی در درک مفاهیم به دانش‌آموزان کرده باشیم. در بخش پایانی این تمرین‌ها درک مطلبی ارائه شده است که واژگان آن تا حد زیادی با متون کتب درسی مطابق است.

3 بخش سوم شامل «تمارین قواعد» است. تنوع این تمرین‌ها بر اساس شیوه‌نامه آموزشی کتاب درسی است. گرچه تألیف کتاب‌های جدید، متن‌محور است اما این به معنای نفی قواعد نیست بلکه خواه‌ناخواه یادگیری متون عربی مستلزم فراگیری قواعد آن است و تا شکل و ترکیب و ساختار جملات را به درستی درک نکنیم، احتمال خطا و اشتباه در ترجمه و فهم درست متون نیز وجود خواهد داشت. همچنین با ارائه تمرین‌های متنوع تلاش کرده‌ایم تا دانش‌آموزان، قواعد و متون درسی را بهتر یاد بگیرند.

4 بخش چهارم «تمرینات عاقله» است. از ویژگی‌های مهم و ارزشمند این کتاب همین بخش است که در واقع مرور درس و مجموع تمارین و قواعد دروس گذشته و بلکه سال‌های گذشته است. این تمرین‌ها به معلمان و دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که برای تکمیل یادگیری و مرور قواعد دروس گذشته با حل و پاسخ به این تمارین و محک خود، ضمن اطمینان از فراگیری دروس، با تمرین و تکرار بیشتر، مانع فراموش شدن مطالب آموخته شده خود نیز باشند که البته این امر از اهداف رویکردهای آموزشی کتب جدید نیز می‌باشد.

5 بخش پایانی شامل نمونه آزمون از هر درس است. تمام سعی ما در این بخش این بوده که با توجه به شیوه‌نامه‌های کتب جدید درسی، برای هر درس یک نمونه آزمون طراحی شود. در پایان درس 4، آزمون نوبت اول و در پایان درس 7، آزمون نوبت دوم نیز طراحی شده است. پاسخ به این آزمون‌ها میزان فراگیری و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان را تضمین می‌کند و بررسی و تحلیل این آزمون‌ها به همه دانش‌آموزان عزیز توصیه می‌گردد.

لازم به یادآوری است که تمرین‌های کتاب درسی در کتاب با علامت  مشخص شده‌اند تا اگر برای دانش‌آموزانی حل این تمارین اهمیت ویژه‌ای داشته باشد، بتوانند آن‌ها را در میان تمارین این کتاب بیانند. ضمن این‌که پاسخ تمامی تمارین برای همه دانش‌آموزان با سطوح مختلف و مدارس خاص توصیه نمی‌شود و همکاران ما با توجه به نوع مدارس و توانایی‌های دانش‌آموزان آن‌ها، می‌توانند برخی از تمرین‌ها را مشخص نمایند که البته هدف نگارنده نیز این بوده که با تمرینات زیاد و متنوع، امکان انتخاب را برای همه طیف‌های دانش‌آموزی در مدارس گوناگون اعم از تیزهوشان، نمونه‌مردمی، غیردولتی و مدارس عادی فراهم نماید.

## تشکر و قدردانی

در پایان از همه کسانی که برای تهیه و تولید این کتاب زحمت فراوانی کشیدند، تشکر می‌کنم:

- جناب آقای احمد اختیاری، مدیریت محترم انتشارات که این امکان را برای من فراهم کردند تا گامی هرچند کوچک برای ارتقای فرزندان سرزمینم بردارم.
  - جناب آقای محمدحسین انوشه، مدیر شورای تألیف به خاطر حضور پُر رنگی که در تهیه و تولید این کتاب داشتند.
  - جناب آقای مهران ترکمان، مدیر گروه عربی و ناظر علمی کتاب که علاوه بر تقویت کتاب، دمنوش‌های جالبی را هم به کتاب اضافه کرده‌اند.
  - سرکار خانم سمیه حیدری، مسئول تألیف دروس عمومی که برای به ثمر رسیدن این کتاب، تلاش فراوانی کردند.
  - دوست و همکار عزیزم جناب آقای سیدهادی هاشمی که نظرات و راهنمایی‌های سازنده ایشان راهگشای کار من بود.
  - جناب آقای محسن فرهادی مدیر هنری خلاق مجموعه و آقای حسین شیرمحمدی گرافیست و طراح محترم جلد که زیبایی کتاب را دو چندان کردند.
  - سرکار خانم سمیه جباری، مدیر تولید انتشارات که لطف‌های ایشان جبران‌ناشدنی است.
  - جناب آقای مسعود محترمی یکتا که صفحه‌آرایی کتاب را در نهایت دقت و ظرافت انجام دادند.
  - خانم مهشید برزنونی و آقای امیر ماهر که زحمت حروف‌چینی کتاب را بر عهده داشتند.
- و در انتها از همه کسانی که سهمی در تولید این کتاب داشتند اما در این مجال اندک نمی‌توانم از تک‌تک آن‌ها تشکر کنم، سپاس‌گزارم.

امیدوار و آرزومند موفقیت روزافزون شما  
حسین منصوری  
Mansouri.Hossein@gmail.com

## فهرست

٩



١. من آيات الأخلاق

٢٩



٢. في محضر المُعلِّم

٤٧



٣. عجائب الأشجار

٦٥



٤. آداب الكلام

٨٠

آزمون نوبت اول

٨٣



٥. الكذب مفتاح لكل شر

٩٩



٦. آنه ماري شيمول

١١٧



٧. تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية

١٣٥

آزمون نوبت دوم





## الدَّرْسُ الثَّانِي

### في مَحَضَرِ الْمُعَلِّمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» العلق: ٣ و٤

«بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است \* همان که با قلم یاد داد.»

#### نمای کلی درس:

- < الْمُعْجَم (واژه‌نامه)
- < النَّص (متن)
- < اَعْلَمُوا (قواعد)
- < تمارين التَّرْجَمَة (تمرین‌های ترجمه)
- < تمارين فِهْم النَّص و الْجَوَار (تمرین‌های فهم متن و مکالمه)
- < تمارين القَوَاعِد (تمرین‌های قواعد)
- < تمارينات عامَة (تمرین‌های تکمیلی)
- < الامتحان (آزمون)

دانش‌آموزان پس از حل تمرین این درس قادر خواهند بود:

1. پرکاربردترین واژگان درس را اعم از «مفردات»، «اضداد» و «مرادفات» بیاموزند.
2. در قالب تمرین ترجمه، مفاهیم و معانی لغات جدید و اصطلاحات درس را به خوبی یاد بگیرند.
3. با توجه به تنوع تمرین، نحوه ترجمه ادوات شرط «من، ما، إن و إذا» را دانسته و بتوانند فعل شرط و جواب آن را تشخیص دهند.

## المُعْجَم (واژه‌نامه)

### المفردات (لغات)

الأَكْرَمُ: گرامی‌ترین	يَرْسُبُ: مردود می‌شود	وَقِيَ: تکمیل کرد، کامل نمود
عَلَّمَ: آموخت، یاد داد	وَأَفَقَّ: موافقت نمود	تَجَلَّلَ: بزرگداشت
الْحِصَّةُ: زنگ درسی، قسمت، سهم	يَتَنَبَّهُ: متوجه می‌شود، آگاه می‌گردد	كَادَ: نزدیک بود
كَانُوا يَسْتَمِعُونَ: گوش می‌دادند	أَلَفَ: تألیف نمود، نگاشت	أَجَلَّ: گرانقدرترین / بزرگوارترین
مُشَاغِبٌ: شلوغ‌کار، اخلال‌گر	يَرْتَبِطُ: ارتباط دارد	يُحَاوِلُ: تلاش می‌کند
يَضُرُّ: آسیب می‌رساند	الْمُتَعَلِّمُ: یادگیرنده، دانش‌آموز	تَحَصَّدُ: درو می‌کند
يَلْتَفِتُ: روی برمی‌گرداند	يَلْتَزِمُ: متعهد (پایبند) می‌شود	تَجِدُوهُ: آن را می‌یابید
تَارَةً: یک‌بار	لَا يَغْصِي: نافرمانی نمی‌کند	قَضَى أَمْرًا: دستور داد / کاری را اراده نمود
بِهِمْسٍ: بیج‌بیج می‌کند	لَا يَهْرَبُ: فرار نمی‌کند	كُنْ: باش
السَّيُورَةُ: تخته سیاه	التَّوَمُ: خوابیدن	يُتَيَسَّرُ: آسان می‌گردد
تَعَنَّتْ: برای مچ‌گیری، برای اذیت کردن	صَغُرَ: خردسالی عدم	حَسِبَ: کافی (بس) است
الاقتراح: پیشنهاد	لَا يَنْقُصُ: کم نمی‌شود	صَيَّتَ: مرده
الأمير: فرمانروا	فرقان: جداکننده (حق از باطل)	الالتفات: توجه نکردن / روی برنگرداندن

### الأضداد (متضادها)

الأولَى # الآخر (اول # آخر)	يُغْصِي # يُطِيعُ (سرپیچی کردن # اطاعت کردن)	خَيْرٌ # شَرٌّ (نیکی # بدی)
يَرْسُبُ # يَنْجَحُ	صَغْبٌ # سَهْلٌ (سخت # آسان)	أَمْوَاتٌ # أَحْيَاءٌ (زندگان # مردگان)
(مردود می‌شود # موفق می‌شود)	هَمْسٌ # صَرَخٌ (آرام کردن # فریاد زدن)	ذَنَّا # بُعْدٌ (نزدیک # دور)
قَبْلٌ # بَعْدٌ	الْجُلُوسُ # الْقُعُودُ (نشستن # برخاستن)	قُمٌ # اجْلِسْ (برخیز # بنشین)
مُشَاغِبٌ # مُوَافِقٌ (اخلال‌گر # موافق)	يَضْحَكُ # يَبْكِي (می‌خندد # گریه می‌کند)	سَكَتٌ # تَكَلَّمَ (سکوت کرد # سخن گفت)
تَنَبَّهُ # غَفَلَ (متوجه می‌شود # غفلت می‌کند)	أَمَامٌ # وَرَاءَ (روبه‌رو/تقابل) # بَهِتٌ (سر)	عِدَاوَةٌ # صِدَاقَةٌ (دشمنی # دوستی)
قَلٌّ # كَثْرٌ (کم شد # افزایش یافت)	عَلِمَ # جَهَلَ (دانستن # نادانی)	أَرَادَلٌ # أَفَاضِلٌ (فرومايگان # دانایان)
يَضُرُّ # يَنْفَعُ (ضرر می‌رساند # سود می‌رساند)	حَيٌّ # صَيَّتَ (زنده # مرده)	صَغُرَ # كَبُرَ (کوچک # بزرگ)

### الجُمُوع المَكْسُورَةُ (جمع‌های مکسر)

الطَّالِبُ ← الطالب (دانش‌آموز)	زُمَلَاءُ ← زمیل (هم‌کلاسی)	عَنَاوِينُ ← عنوان (نام)	الْمُنَى ← المنية (آرزو)
أَنْفُسٌ ← نفس	عُقُولٌ ← عقل	أَقْدَامٌ ← قدم (گام)	صِعَابٌ ← صعب (سخت و دشوار)
جُنُودٌ ← جُنْدٌ (سپاه)	أَرَادِلٌ ← أَرْدَلٌ (فرومايه)	أَفْضَالٌ ← أَفْضَلٌ (دانشمند)	



### المُرَادِفَات (مترادفها)

مُشَاغِبٌ = مُنَازِعٌ (اخلال گر)	هَرَبٌ = فَرَارٌ (فرار کردن)	تَبَجِيلٌ = تَكْرِيمٌ (احترام)
تَارَةً = مَرَّةً (یکبار)	فَرَعٌ = حَتَمٌ (فارغ می شود)	قَمٌ = اِنْهَضٌ (برخیز)
هَمْسٌ = حَقْفَنٌ (پنج پیچ می کند)	لَمَّا = حَيْثَمَا (هنگامی که)	كَادَ = قَرُبَ مِنْ (نزدیک است)
أَمَامٌ = عِنْدَ (نزد)	أَلْفٌ = كَتَبَ (تألیف نمود - نگاشت)	يُبْنِي = يَنْشِئُ (می سازد، می آفریند)
تَنَبَّهٌ = اسْتَيْقِظَ (آگاه می شود)	قَلٌّ = نَقَصَ (کم شد)	إِثْمٌ = ذَنْبٌ (گناه)
التَّرَمُّ = تَعَهَّدَ (متعهد (بایبند) می شود)	وَدٌّ = حُبٌّ (دوستی)	سَبْتُورَةٌ = لَوْحٌ (تخته سیاه)
حَاوَلَ = اجْتَهَدَ (تلاش کردن)	تَنَبَّهٌ = انْتَبَهَ (متوجه شد، آگاه گردید)	

### المُصْطَلِحَات وَ التَّرَاكِيِب (اصطلاحات و ترکیبات)

علم الأحياء: زیست شناسی	أداء الواجبات المدرسية: انجام تکالیف مدرسه‌ای
مُدْرِسُ الكيمياء: دبیر شیمی	إِسْتَمَرَّ عَلَى سُلُوكِهِ: به شیوه و رفتار خود ادامه داد
بِسُلُوكِهِ: با رفتارش	لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ: در سخن گفتن جلو نمی افتد
بِلْتَفَتِ تَارَةً: به یکباره برمی گردد، یکبار برمی گردد	فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَّةِ وَ التَّعْلِيمِ: در زمینه‌های آموزش و پرورش
عدم الالتفات: توجه نکردن	وَفِيهِ التَّبَجِيلُ: او را به طور کامل بزرگ دار
ما جهلوا: آنچه نمی دانند	مَا تَقَدَّمُوا: هر چه از پیش بفرستید
إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا: اگر چه فرمان روا باشی	نَقَصَ الْكَلَامَ: سخن کوتاه گردید

### النَّص (متن درس) «فِي مَخْضِرِ الْمُعَلِّمِ»

◀ ترجمه کلمات الملوّنة (کلمات رنگی را ترجمه کن):

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرِسِ الكيمياء، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلٌ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطَّلَابَ بِسُلُوكِهِ. يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبْتُورَةِ؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعَنُّتًا؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّالِثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَزْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَّ عَلَى سُلُوكِهِ.

#### «در محضر معلم»

در ..... [درسی] اول دانش آموزان به سخن معلم شیمی ..... و در بین آنها دانش آموزی ..... بی ادب بود که با ..... به دانش آموزان ..... یک بار ..... خود را به عقب ..... و با کسی که پشت سرش بود، صحبت می کرد و یک بار با کسی که کنارش بود، ..... هنگامی که معلم روی ..... می نوشت. و در زنگ [درسی] دوم همین دانش آموز از معلم ..... به قصد ..... سؤال می کرد و در زنگ [درسی] سوم با همکلاسی مانند خود صحبت می کرد و می خندید؛ پس معلم او را نصیحت کرد و گفت: «هر کس به درس خوب گوش فراندهد در امتحان مردود می شود.» ولی آن دانش آموز به رفتارش ادامه داد.

فَكَرَّ مِهْرًا حَوْلَ هَذِهِ الْمُسْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ: أَجِبْ أَنْ أَكْتُبَ إِِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»؛ فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ، وَ قَالَ لَهُ: إِنَّ تَطَالُعَ كِتَابِ «مُنْيَةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «السَّهْبِيِّ الثَّانِي»

يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِِنْشَائِكَ: ثُمَّ كَتَبَ مَهْرَانُ إِِنْشَاءَهُ وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ: إِنْ تَقَرَأَ إِِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطُّلَابِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهَ زَمِيلُكَ الْمُشَاعِبُ.

مهران درباره این مشکل .....: نزد معلم ادبیات فارسی رفت و قضیه را برای او شرح داد و گفت: «دوست دارم انشایی تحت عنوان «در محضر معلم» بنویسم! پس معلم با خواسته او ..... و به او گفت: «اگر کتاب «منیة المرید» از زین الدین عاملی شهید ثانی را مطالعه کنی برای نوشتن انشایت به تو کمک می‌کند!» سپس مهران انشای خود را نوشت و آن را به معلمش داد؛ معلم به او گفت: «اگر انشایت را در برابر دانش‌آموزان بخوانی، همکلاسی اخلاک‌گرت .....»

و هذا قسم من نص إنشائه: ... ألف عدد من العلماء كتباً في مجالات التَّربِيَّةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطُّلَابِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ؛ أَهْمُهَا: أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ. الإِجْتِنَابُ عَنِ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ. عَدَمُ التَّوَمُّ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ، أَنْ لَا يَهْرَبُ مِنْ آدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ. أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ، أَنْ لَا يَقْطَعُ كَلَامَهُ، وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ، وَ يَضْبِرُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْكَلَامِ، الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَ الإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدَقَّةٍ وَ عَدَمُ الإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِحُضُورَةٍ. لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاعِبُ إِِنْشَاءَ مَهْرَانِ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ. قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدُ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ:

كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَفَهُ التَّبَجِيلَا

يَبْنِي وَ يُنْشِئُ أَنْفُسًا وَ عُقُولًا

أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَ مِنَ الَّذِي

و این بخشی از متن انشای اوست؛ تعدادی از دانشمندان کتاب‌هایی در زمینه‌های تعلیم و تربیت [آموزش و پرورش] تألیف کردند که برخی از آنها به معلم و برخی دیگر به یادگیرنده (دانش‌آموز) ..... و دانش‌آموز در پیشگاه معلم آدابی دارد. هر کس به آن پایبند باشد، موفق می‌شود. مهم‌ترین آن‌ها؛ این‌که از دستوره‌های معلم .....

دوری کردن از سخنی که در آن بی‌ادبی است. این‌که از انجام تکلیف‌های مدرسه‌ای فرار نکند. نخوابیدن در کلاس هنگامی که معلم درس می‌دهد. اینکه با دانش‌آموزان دیگر هنگامی که معلم درس می‌دهد، صحبت نکند. این‌که سخنش را قطع نکند و در سخن از او ..... و صبر کند تا سخنش تمام شود. با ادب نشستن در مقابل او و با دقت گوش دادن به او و ..... مگر به ضرورت.

هنگامی که دانش‌آموز اخلاک‌گرا انشای مهران را شنید، ..... و از رفتارش در کلاس پشیمان شد. شاعر مصری، احمد شوقی درباره معلم گفت: «به خاطر معلم ..... و ..... را کامل ..... که معلم پیامبر باشد.

آیا شناخته‌ای؟ شریف‌تر و ..... از کسی که (معلمی که) جان‌ها و خرده‌ها را می‌سازد و .....

◀ عَيْنَ الصَّحِيحِ عَلَيَّ حَسَبِ الدَّرْسِ (✔ ✘) (با توجه به متن درس، جمله درست را مشخص کن):

1) مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْتَسِبُ فِي الإِمْتِحَانِ

2) الطَّالِبُ الْمُشَاعِبُ قَلِيلُ الأَدَبِ وَ يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ.

3) فِي الْحِضَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمْعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ.

4) فِي مَحْضَرِ الأَسْتَاذِ آدَابٌ أَهْمُهَا عَدَمُ التَّوَاضُعِ أَمَامَ الأَسْتَاذِ.

5) بَعْدَ قِرَاءَةِ إِِنْشَاءِ مَهْرَانِ الطَّالِبِ الْمُشَاعِبِ نَدِمَ وَ غَيَّرَ سُلُوكَهُ فِي الصَّفِّ.

6) أَشْرَفُ وَ أَجَلَ الْإِنْسَانِ فِي الدُّنْيَا هُوَ الْمُعَلِّمُ.

7) كَتَبَ مَهْرَانُ إِِنْشَاءَهُ بَعْدَ مُطَالَعَةِ كِتَابِ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ».

8) لَمْ تُؤَلَّفْ كُتُبٌ فِي مَجَالَاتِ التَّربِيَّةِ وَ التَّعْلِيمِ.

## إِعْلَمُوا (قواعد)

### أَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتِهِ (شرط و ادات آن)

ادوات شرط عبارتند از: **إِنْ** (اگر)، **مَنْ** (هر کس)، **مَا** (هر چه)، **إِذَا** (هر گاه / اگر)

#### عمل ادوات شرط:

- 1 غالباً بر سر دو فعلِ مضارع می آیند که به اولی فعل شرط و به دومی (جواب شرط) می گویند:  
■ **إِنْ تَجْتَهِدْ تَنْجَحْ**: اگر تلاش کنی موفق می شوی.  
فعل شرط جواب شرط
- 2 اگر بر سر دو فعل ماضی بیایند هر دو فعل شرط و جواب شرط به صورت مضارع ترجمه می شود:  
■ **إِنْ اجْتَهَدْتَ نَجَحْتَ**: اگر تلاش کنی موفق می شوی.
- 3 فعل شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود.
- 4 جواب شرط گاهی به صورت جمله اسمیه می آید: ■ **«مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»**  
فعل شرط جمله اسمیه، جواب شرط

#### نکات مهم:

- 1 «مَنْ» برای عاقل به کار می رود و «مَا» برای غیرعاقل و هر دوی این‌ها می توانند «اسم استفهام» و یا «اسم موصول» نیز باشند:  
■ **مَا هَذَا؟ مَنْ هُوَ؟** ← استفهام  
■ **أَجِبْ مَنْ تَجِبُ / أَجِبْ مَا تَجِبُ** ← موصول  
2 «مَا» می تواند «حرف نفی» هم باشد: ■ **مَا قَرَأْتَ الصَّحِيفَةَ.**  
نخواندی  
3 «إِذَا» نیز گاهی برای شرط به کار می رود:  
■ **إِذَا اجْتَهَدْتَ نَجَحْتَ.**  
4 ادات شرط مانند حرف «لا»ی ناهیه عمل می کنند و جزم دهنده هستند، با این تفاوت که ادات شرط دو فعل را مجزوم می کنند.  
■ **مَا تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يَلْمَهُ اللَّهُ.**

#### اختبر نفسك

ترجمه آیات، ثُمَّ عَيَّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ وَ جَوَابَهُ (آیات را ترجمه کن، سپس ادات شرط، فعل شرط و جواب آن را مشخص کن):

1 ■ ■ **«وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ»** البقرة: ۱۱۰

2 ■ ■ **«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»** محمد: ۷

3 ■ ■ **«وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً»** الفرقان: ۶۳



## الْتَمَارِینْ

### تمارين الترجمة (تمرین های ترجمه)

#### مهارت واژه شناسی

۱ عین الصَّحیح (صحیح را مشخص کن):

- |                     |                     |                   |  |
|---------------------|---------------------|-------------------|--|
| ○ باکرامت           | ○ گرامی             | ○ گرمای ترین      | ۱ و رَبَّكَ الْأَكْرَمُ،   |
| ○ زنگ               | ○ کلاس              | ○ ساعت            | ۲ كَانَ الطَّلَابُ فِي الحِصَّةِ الْأُولَى.                          |
| ○ اخلال گر          | ○ زنگ               | ○ زیرک            | ۳ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ.                                |
| ○ خیلی زود          | ○ ناگهان            | ○ یک بار          | ۴ يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ.                               |
| ○ حرف می زند        | ○ پیچ می کند        | ○ داد می زند      | ۵ يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ.                          |
| ○ زمین شناسی        | ○ زیست شناسی        | ○ جانورشناسی      | ۶ كَانَ الْوَلَدُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْحَيَاءِ.              |
| ○ ادامه داد         | ○ به طور مستمر      | ○ استمرار می بخشد | ۷ وَ لَكِنَّ الطَّالِبَ إِسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ.                  |
| ○ تنبیه می شود      | ○ آگاه خواهد شد     | ○ تنبیه خواهد شد  | ۸ سَوْفَ يَنْتَبَهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.                          |
| ○ آخرین             | ○ پایانی            | ○ دیگری           | ۹ يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ وَ الْآخَرَى بِالْمُتَعَلِّمِ. |
| ○ پایبند باشد       | ○ متعهد می شود      | ○ ملتزم می گردد   | ۱۰ مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ.                                   |
| ○ شاید که او        | ○ باشد که او        | ○ گویا او         | ۱۱ يَسْتَمِعُ إِلَيْهِ كَأَنَّهُ مَا سَمِعَ بِهَا مِنْ قَبْلُ.       |
| ○ بود               | ○ شد                | ○ نزدیک بود       | ۱۲ كَذَا الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ زَسُولًا.                         |
| ○ بزرگداشت          | ○ عظمت              | ○ بافروتنی        | ۱۳ قَمِ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّجْبِيلَا.                         |
| ○ مجلل ترین         | ○ بزرگ ترین         | ○ گرانقدرتر       | ۱۴ أَعْلِمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ.                                 |
| ○ امری را اجابت کرد | ○ کاری را انجام داد | ○ دستور فرمود     | ۱۵ إِذَا قَضَى أَمْرًا،  |
| ○ باش               | ○ بود               | ○ می شود          | ۱۶ «فَأَيْمًا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»                           |
| ○ حساب              | ○ بس                | ○ تمام            | ۱۷ فَهُوَ حَسْبُهُ.  |
| ○ مرگ               | ○ زنده              | ○ مرده            | ۱۸ الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا.                           |
| ○ بلند شو           | ○ قیام نمود         | ○ برخاست          | ۱۹ قَمِ عَنِ مَجْلِسِكَ لِابْنِكَ.                                   |
| ○ شایستگان          | ○ بزرگان            | ○ فرومایگان       | ۲۰ إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلَكَ الْأَفْضَلُ.                     |

۲ أَكْتُبِ الْمَطْلُوبَ (آن چه را که خواسته شده بنویس):

- |                             |                    |                                |
|-----------------------------|--------------------|--------------------------------|
| صَغْرٌ ≠                    | يَضْحَكُ ≠         | عِلْمُ الْحَيَاءِ (بالفارسية): |
| الإفتراح (بالفارسية):       | هَرَبٌ =           | تَنْجِيل (بالفارسية):          |
| تَارَةٌ =                   | أَقْلَام (مفردها): | إِثْمٌ =                       |
| المُنَى (مفردها):           | يَبْنَى =          | صَدَاقَةٌ ≠                    |
| مَاتَقَدَّمُوا (بالفارسية): | أَفْضَل (مفردها):  | صِعَاب (مفردها):               |
| تَنْبَهُ =                  | وَدَّ =            |                                |
| الْأَنْفُس (مفردها):        | الْجُلُوس ≠        |                                |



- ٣ ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية (از کلمات زیر کلمه مناسب را در جای خالی قرار بده):  
 أجز - المشاغِب - السَّبورة - التَّبجيل - مَيْتاً - يَزْسب - أَلْف - الحِصَّة - أميراً - قَل - يَتنبَّه - أُرسل - تَزْرغ - أَحْسنتُمْ
- ١ يَكْتُبُ المُدرِّسُ عَلَيَّ مَسْأَلَةَ مُهمَّة.
  - ٢ في \_\_\_\_\_ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ المُعَلِّمَ تَعَنُّتاً.
  - ٣ إن تَقْرَأْ إِنْشَاءً كَأَمَامِ الطُّلَابِ فَسَوْفَ زَمِيلُكَ المُشَاغِبُ.
  - ٤ قُمْ عَن مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ إِنْ كُنْتَ \_\_\_\_\_ .
  - ٥ مَن عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ \_\_\_\_\_ مَن عَمِلَ بِهِ.
  - ٦ عَدَدٌ مِّنَ العُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ.
  - ٧ لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ إِنْشَاءً مِهْرَانَ نَدِمَ وَ حَجَلَ عَلَيَّ سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.
  - ٨ العَالِمُ حَيٌّ وَ إِنْ كَانَ \_\_\_\_\_ .
  - ٩ مَن لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا فِي الإِمْتِحَانِ.
  - ١٥ مَن فَكَّرَ قَبْلَ الكَلَامِ \_\_\_\_\_ حَظُّوهُ.
  - ١١ إِنْ \_\_\_\_\_ خَيْرًا تَحْضُدُ سُرُورًا.
  - ١٧ إِنْ \_\_\_\_\_ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ.

#### مهارت ترجمه

٤ عَيِّن التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ (ترجمه صحیح را مشخص کن):

- ١ «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»:
- الف اگر تقوای الهی پیشه می‌کردند برای آن‌ها قدرت تشخیص حق از باطل را قرار می‌دادیم.
- ب اگر پروای خدا کنید برایتان نیروی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد.
- ٢ قد أَلْفَ عَدَدٌ مِّنَ العُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ:
- الف برخی از دانشمندان کتاب‌هایی را در زمینه تعلیم و ترتیب تألیف نمودند.
- ب تعدادی از دانشمندان کتاب‌هایی در عرصه‌های آموزش و پرورش نگاشته‌اند.
- ٣ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ:
- الف این‌که سخنش را قطع نکند و در سخن گفتن از او پیشی نگیرد.
- ب این‌که نباید کلام او را قطع کند و نباید پیش از او آغاز به سخن کند.
- ٤ نَدِمَ وَ حَجَلَ عَلَيَّ سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ:
- الف پشیمان شد و به خاطر رفتارش در کلاس شرمسار گردید.
- ب به خاطر روش بدش در کلاس نادم و پشیمان بود.
- ٥ إِذَا مَلَكَ الأَرَاذِلُ هَلَكَ الأَفَاضِلُ:
- الف هرگاه بدان مالک شدند خوبان هلاک گردیدند.
- ب هرگاه فرومایگان فرمان روا شوند شایستگان نابود می‌شوند.
- ٦ النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا:
- الف مردم دشمن نادانی‌اند.
- ب مردم دشمنان آن چیزی هستند که بدان آگاه نیستند.



١١ كان يلتفت تارة إلى الوراء و تارة يهمس: گاه به عقب برمی‌گردد و گاهی شلوغ می‌کند.

١٢ «إن أحسنتم أحسنتم لأنفسكم»: اگر نیکی کردید به خود نیکی کرده‌اید.

٦ ترجم الآيات و الأحاديث (آيات و احاديث را ترجمه کن):

١ «اقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم»:

٢ «و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله»:

٣ من علم علماً فله أجر من عمل به لا ينقص من أجر العامل:

٤ الناس أعداء ما جهلوا:

٥ «إن تنصروا الله ينصركم و يُثبت أقدامكم»:

٦ قم عن مجلسك لأبيك و معلمك و إن كنت أميراً:

٧ «و ما تفعلوا من خير يعلمه الله»:

٨ من سأل في صغره أجاب في كبره:

٩ «إن تتقوا الله يجعل لكم فرقاناً»:

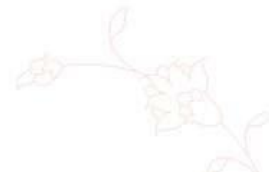
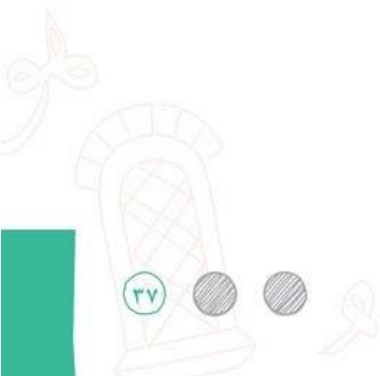
١٥ «و من يتوكل على الله فهو حسبه»:

### تمارين فهم النص و الحوار (تمرین‌های درک متن و مکالمه)

#### مهارت درک و فهم و مکالمه

٧ ضع في الدائرة العدد المناسب (عدد مناسب را در دایره قرار بده):

- |               |   |
|---------------|---|
| ١ الإقتراح    | ○ هـن إسمُ الكتاب الذي كُتب في مجال التربية و التعليم |
| ٢ الأمير      | ○ طرخ سؤال صعب بهدف إيجاد مشقة.                       |
| ٣ السبورة     | ○ رأى لعل مشكلة أو لتحسين موضوع                       |
| ٤ الود        | ○ هو كلام خفي بين شخصين                               |
| ٥ الفرقان     | ○ من يتولى الأمانة                                    |
| ٦ منية المرید | ○ حُب و محبة  |
| ٧ التبجيل     | ○ لوح أمام الطلاب يكتب عليه المعلم                    |
| ٨ الراسب      | ○ الطالب الذي لم ينجح في الإمتحان                     |
| ٩ التعتت      | ○ التعظيم و الإكرام                                   |
| ١٥ الهمس      | ○ كل ما فرق به بين الحق و الباطل                      |





۸) إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (متن زیر را بخوان سپس به سوالات پاسخ بده):

«الأديبُ المُلتزمُ»

ذات يومَ طلبَ المتوكِّلُ العباسيُّ وزيرَهُ و طلبَ منه معلِّماً حاذِقاً لتعليمِ أولادِهِ. فقال الوزيرُ: لا أعرفُ أفضلَ و أعلمُ من ابنِ سَكَيْتٍ. (هُوَ كَانَ مُجَبِّاً لِأَهْلِ الْبَيْتِ (ع)).  
بعد اتمامِ، عندَما كان ابنُ سَكَيْتٍ جالساً عندَ المتوكِّلِ قال المتوكِّلُ: هلَ أولادِي أَحَبُّ اليكَ أو أولادُ عَلِيٍّ؟  
غَضِبَ ابنُ سَكَيْتٍ و قال: و الله إنَّ قَدْبِرًا مَوْلَى عَلِيٍّ بنِ أَبِي طَالِبٍ لِأَحَبِّ إِلَيَّ من هَذيْنِ و أبيهَما. غَضِبَ المتوكِّلُ شديداً و أمرَ بِقَطْعِ لِسَانِ هَذَا الْعَالِمِ الشُّجَاعِ.

1) ما طلبَ المتوكِّلُ من وزيره؟

2) ما قال ابنُ سَكَيْتٍ في جوابِ المتوكِّلِ عن أولادِهِ؟

3) ما كانت عاقبةُ ابنِ سَكَيْتٍ؟

4) عيّن الإعرابَ ما أشير إليه بخطّ:

تمارين القواعد (تمرين های قواعد)

1) عيّن أداة الشرط و فعل الشرط و جوابه (أداة شرط، فعل شرط و جواب شرط را مشخص کن):

1) إن تزرعَ خيراً تحصدُ سُوراً.

2) من لا يستمع إلى الدرس جيداً يَرسُبُ في الإمتحان.

3) ما تزرع في الدنيا تحصد في الآخرة.

4) إن تجتهدن في أعمالكن تنجحن.

5) إن صبرت أدركت بصبرك منازل الأبرار.

6) من يلتزم بالآداب ينجح في الحياة.

7) إذا اجتهدت نجحت.

8) «و من يتوكَّل على الله فهو حسبه»

9) إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.

10) «من يطع الله و رسوله و يخش الله و يتقهِ فأولئك هم الفائزون»

11) «فإن تُبئتم فهو خيرٌ لكم و إن توليتم فاعلموا أنكم غيرُ مُعجزِي الله»

12) «و من يخرج من بيته مهاجراً إلى الله و رسوله ثم يدركه الموتُ فقد وقع أجره على الله»

13) «و من يتعدَّ حدودَ الله فقد ظلم نفسه»

14) «ما تُنفقوا من شيءٍ فإن الله به عليمٌ»

15) «إن أحسنتم أحسنتم لأنفسكم»

16) «من علم علماً فله أجرٌ من عملٍ به لا ينقص من أجرِ العاِمِلِ»

17) «و ما تقدّموا لأنفسكم من خيرٍ نجدوه عند الله»

18) «ما فعلت من الخيرات و جذتها ذخيرةً لآخرتك»

19) «و ما تُنفقوا من خيرٍ فإن الله به عليمٌ»

20) إذا تمَّ العقلُ نقصَ الكلامُ.

٢ ترجم الأفعال التالية (فعل های زیر را ترجمه کن):

مصدر	نهی	امر	مضارع	ماضي
الإقبال: جلو آمدن	لا تُقْبِلْ:	أَقْبِلُوا:	يُقْبِلُ:	أَقْبَلَ:
الإستقبال: پذیرفتن	لا تُسْتَقْبِلْ:	اِسْتَقْبِلْ:	تُسْتَقْبِلُونَ:	اِسْتَقْبَلُوا:
الإِنقاذ: نجات دادن	لا تُنْقِذْ:	انْقِذْ:	يُنْقِذُ:	قَدْ انْقَذَ:
الإجتنب: دوری کردن	لا تُجْتَنِبْ:	اجْتَنِبْ:	يَجْتَنِبُونَ:	اجْتَنَبْتُ:
الإبتعاد: دور شدن	لا تُبْتَعد:	اِبْتَعد:	يَبْتَعدُ:	اِبْتَعدَ:
الإنقلاب: دگرگون شدن	لا تُنْقَلِبْ:	انْقَلِبْ:	أُنْقَلِبُ:	اِنْقَلَبْتُ:
الإنقطاع: بریده شدن	لا تُنْقَطِعْ:	انْقَطِعْ:	يَنْقَطِعُ:	اِنْقَطَعُ:
الإستسلام: تسلیم شدن	لا تُسْتَسَلِمْ:	اِسْتَسَلِمْ:	يَسْتَسَلِمُونَ:	اِسْتَسَلِمْتُ:
الإستخدام: به کار گرفتن	لا يُسْتخدِمُ:	اِسْتخدِمْ:	يُسْتخدِمُ:	اِسْتخدِمْتُ:
المُجالسة: هم نشینی کردن	لا يُجالِسُ:	جالِسْ:	يُجالِسُ:	جالَسَ:
التَّحْمُلُ: تحمل کردن	لا تُتَحْمَلُ:	تَحْمَلُوا:	تَتَحْمَلُونَ:	تَحْمَلْتُ:
التَّذْكَرُ: به یاد آوردن	لا تُتَذَكَّرُ:	تَذَكَّرُوا:	يَتَذَكَّرُونَ:	تَذَكَّرْتُ:
التَّفَاخُرُ: فخر فروشی کردن	لا يُتَفَاخَرُونَ:	تَفَاخَرُوا:	تَتَفَاخَرُونَ:	تَفَاخَرْنَا:
التَّعَايشُ: هم زیستی کردن	لا تُتَعَايشُ:	تَعَايشْ:	يَتَعَايشُونَ:	تَعَايشَ:
التَّثْبِيتُ: استوار نمودن	لا تُثَبِّتُ:	ثَبِّتْ:	يُثَبِّتُونَ:	ثَبَّيْتُ:
التَّحْرِيمُ: حرام کردن	لا تُحْرَمُ:	حَرِّمْ:	يُحْرَمُ:	قَدْ حَرَّمَ:
المُقاتلة: جنگیدن	لا تُقاتلونَ:	قاتلوا:	يقاتلونَ:	قاتلَ:
الإنسحاب: عقب نشینی کردن	لا تُنْسَحَبُ:	نَسَحِبُوا:	سَيَنْسَحِبُونَ:	اِنْسَحَبَ:
المُساعدة: کمک کردن	لا تُسَاعَدُ:	سَاعِدْ:	نُساعدُ:	سَاعَدْتُ:

٣ ضَع هذه العبارات في مكانها المناسب (این عبارتها را در مکان مناسبشان قرار بده):

هُنَّ صابراتٌ - هذان ناصران - هذه شجرةٌ - أنت عالمٌ - هؤلاء المجاهدون - أولئك الأفاضلُ - هما عالمتان - هؤلاء ناجحاتٌ - تلك الجيئةٌ - أولئك مستمعونٌ - هاتان البطاقتان - هذان المكيفان - ذلك المؤمنٌ - هؤلاء جنودٌ

مفرد مذکر مفرد مؤنث مثنی مذکر مثنی مؤنث جمع مذكر سالم جمع مؤنث سالم جمع مكسر

٤ عَيْن الصَّحِيح (صحيح را مشخص کن):

- ١ «وَمَنْ» مِثقال ذرَّةٍ خيراً يَرَهُ،  تَعْمَلُ  يَعْملُ  يَعْمَلونَ
- ٢ «وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ» هُوَ عِنْدَ اللهِ،  تَجِدُوا  تَجِدوا  تَجِدونَ
- ٣ إِنْ اللهُ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ،  يَنْصروا  يَنْصُرْتُ  تَنْصُرُوا
- ٤ مَا مِنْ الْخَيْرَاتِ وَجَدْتَهَا ذَخيراً لآخرتكِ،  تَفْعَلُوا  فَعَلْتُ  فَعَلْتُ
- ٥ إِنْ إِنْشَاءكَ أَمَامَ الطَّلَابِ فَسَوْفَ يَتَّبِعُهُ زَميلُكَ المُشاغِبُ،  تَقْرَأُ  يَقْرَأُ  قَرَأْتُ

## تمرينات عامة (تمرينات تكميلية)

١ عَيْنُ الصَّحِيحِ (صحيح را مشخص كن):

- |    |  |               |             |               |
|----|--|---------------|-------------|---------------|
| ١  | وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ  | واحدة         | واحد        | الأخذ         |
| ٢  | طَرَحَ سُؤَالَ صَغْبٍ يَهْدِي إِيجَادَ الْمَشَقَّةِ.   | الإقتراح      | الالتفات    | التعنت        |
| ٣  | عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا.                               | قم            | قام         | يقوم          |
| ٤  | تَتَعَلَّمُ فِي الْمَدْرَسَةِ لِغَتَيْنِ .   | واحدة         | إثنتين      | مجتبتين       |
| ٥  | « وَ ..... يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»  | إن            | ما          | من            |
| ٦  | مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي .....   | المزرعة       | الآخرة      | الأخرى        |
| ٧  | «إِنَّ ..... أُمَّتَكُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ وَأَنَا رَبُّكُمْ»                                  | هذا           | ذلك         | هذه           |
| ٨  | أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَ .....   | كم            | هم          | هن            |
| ٩  | تَحَاوَلْ كَثِيرًا تَصِلْ إِلَى أَهْدَافِكَ.   | إن            | من          | ما            |
| ١٥ | أَسْتَشِيهِدُ الْإِمَامَ الْحُسَيْنَ (ع) فِي الْيَوْمِ ..... مِنْ الشَّهْرِ الْمُحَرَّمِ.      | العشرون       | العاشرون    | العاشرون      |
| ١١ | النَّاسُ ..... فَعَالِمٌ رِبَانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاةِ وَ هَمَجٌ زَعَاغٌ. | ثلاثة         | أربعة       | خمسة          |
| ١٢ | «إِنَّ وَغَدَكَ حَقٌّ وَأَنْتَ ..... الْحَاكِمِينَ»  | حاكم          | محكوم       | أحكم          |
| ١٣ | أَعْطَيْتِ الْعَامِلَ أَجْرَهُ شَكَرَكَ قَبْلَ أَنْ تَشْكُرَهُ.                                | ما            | من          | إذا           |
| ١٤ | « ..... تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرِ بَعْلَمَهُ اللَّهُ»   | من            | ما          | إن            |
| ١٥ | النَّاسِ ..... مَنْ يَفْعَلُ الشَّرَّ وَ يَتَوَقَّعُ الْخَيْرَ.                                | أجهل          | أعلم        | أرخص          |
| ١٦ | أَنْتُمْ تَجْتَهِدُونَ فِي أَعْمَالِكُمْ وَ ..... فِي خِيَاتِكُمْ.                             | ينجحون        | تنجح        | تنجحون        |
| ١٧ | التَّلْمِيذَاتُ لَمْ يُقْضِرْنَ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِ .....                                    | كن            | هن          | نا            |
| ١٨ | ثَلَاثَةٌ فِي خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي .....   | خمسة وستين    | خمسة وسبعين | خمسة وثمانين  |
| ١٩ | ثَلَاثَةٌ وَ أَرْبَعُونَ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ يُسَاوِي .....                      | ثمانية وسبعين | سبعة وسبعين | أربعة وثمانين |
| ٢٥ | كَثِيرًا لِيَنْجَحَ فِي الْإِمْتِحَانِ.  | إجتهدت        | إجتهدنا     | إجتهدوا       |

٢ عَيْنُ إِسْمِ الْفَاعِلِ وَ إِسْمِ الْمَفْعُولِ وَ إِسْمِ الْمُبَالَغَةِ وَ إِسْمِ الْمَكَانِ وَ إِسْمِ التَّفْضِيلِ (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم مكان و اسم تفضيل را مشخص كن):

- ١ دَخَلْتُ الْمَدْرَسَةَ الْمَكْتَبَةَ وَ كَانَتْ الْمَكْتَبَةُ مُزْدَجِمًا.
- ٢ كَتَبْتُ إِبْنَاءَ تَحْتِ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ».
- ٣ هُنَاكَ طُلَّابٌ فِي الْمَدَارِسِ يَعْْمَلُونَ لِمَجْدِ بِلَادِهِمْ.
- ٤ «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ التَّوَّابِينَ».
- ٥ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا.
- ٦ «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ».
- ٧ الْمُؤْمِنِ الْقَوِيُّ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ.
- ٨ «قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ غَلَامُ الْغُيُوبِ».
- ٩ قَالَ لَهُ: إِنَّكَ دَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ أَلَيْسَ لَكَ عَمَلٌ آخَرَ.
- ١٥ هُوَ مَمْلُوءٌ بِغَدِيدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.

٣ أَكْتُبِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ (آنچه را از تو می خواهی بنویس):

- |   |  |             |             |                 |
|---|--|-------------|-------------|-----------------|
| ١ | إِنْ تَتَكَاسَلِ الطَّالِبَةُ فِي الدَّرْسِ لَا تَنْجَحَ فِي الْإِمْتِحَانِ. | أداة الشرط: | جواب الشرط: | إسم الفاعل:     |
| ٢ | مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهَرَ اللَّيَالِي.                                     | أداة الشرط: | فعل الشرط:  | الجمع المكشَّر: |





- ۷ «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ الكَفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» (فعل الأمر المناسب من «جاهد»)  
ای پیامبر با کافران و منافقین جهاد کن.
- ۸ ما فَعَلْتُ مِنْ خَيْرٍ ثَمَرَتِهِ. (الماضي المناسب من «شاهد»)  
هرچه از خیر انجام دهم نتیجه آن را می بینی.
- ۹ ما \_\_\_\_\_ مِنَ الْحَيَاةِ سَاعِدَكَ فِي الْحَيَاةِ. (الماضي المناسب من «تعلم»)  
هرچه از زندگی بیاموزی در زندگی تو را کمک می کند.
- ۱۰ الإمام الحسين (ع) بِكَرْبَلَاءَ. (المجهول من «إستشهد»)  
امام حسین (ع) در کربلا شهید شد.
- ۱۱ أنا \_\_\_\_\_ كُلُّ يَوْمٍ الْكُتُبَ الدَّرَاسِيَّةَ. (المضارع المناسب من «طالع»)  
من هر روز کتاب های درسی را مطالعه می کنم.
- ۱۲ «وَمَا رِيكَ بِغَافِلٍ عَمَّا \_\_\_\_\_» (المضارع المناسب من «عمل»)  
و پروردگارت از آنچه انجام می دهی غافل نیست.
- ۱۳ مَنْ عَلمَوكُمُ الْعِلْمَ. (الأمر من «احترم»)  
احترام کنید کسانی را که به شما علم آموختند.
- ۱۴ مِمَّا كَسَبْتُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (الأمر من «أنفق»)  
از آنچه از روزی های پاک کسب کرده اید در راه خدا انفاق کنید.

### دمنوش



در درس قبل با جایگاه شتر در قلب دوستان عربمون آشنا شدیم. در این درس یک مطلب جالب دیگر خواهیم گفت. فرض کنید تعداد زیادی خانم در یک جایی هستند، تعدادشون مهم نیست، فرض کنید خیلی زیادند مثلاً پنج میلیارد نفر حتی بیشتر.



این جمع در عربی جمع مونث حساب می شود! خوب؟  
حالا فرض کنید یک پسر بچه یک ساعته (یعنی همین یک ساعت پیش اولین ونگ رو زده و گفته ما اومدیم) به این جمع اضافه بشه، اکنون این جمع، جمع مذکر حساب می شود.  
لطفاً ما را اینطوری نگاه نکنید و سعی نکنید کتاب را به آتش کشیده یا کینه توری کنید.  
می دانیم که الان آقایان دچار هیجان شده اند و خانمها هم جهت گرفتن انتقام و تاکید بر این مسئله که «زدی ضربتی، ضربتی نوش کن» به دنبال نشانی ما هستند تا با برخورد فیزیکی نسبت به اینجانب، مرهمی بر جراحات خود بگذارند، اما باور بفرمایید تقصیر ما نبود، ما فقط اعلام کردیم که در زبان عربی اولویت با آقایان مظلوم و تنهاست متأسفانه دوستان عرب اعتقادی به موضوع «لیدی ایز فرست» ندارند و می گویند وجود یک آقا در جمع کنیری از خانمها کافی است تا آن جمع را جمع مذکر بدانیم.  
اکنون برادران با علاقهای وافر و بیش از پیش به مطالعه عربی ادامه دهید. خواهران هم سعی کنند با این موضوع کنار بیایند و با طمأنینه رفتار کنند.  
یه جاکلایه چیز به نفع آقایون شد!



آزمون (درس دوم)

ردیف	سؤالات	نمره
<b>الف) مهارت واژه شناسی</b>		
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ (کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، ترجمه کن): ۱) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ: ..... ۲) وَ فِي الْجِصَّةِ الثَّانِيَةِ: .....	۰/۵
۲	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُضَادَّيْنِ (دو کلمه مترادف و متضاد در جای خالی بنویس): الْتَزَمَ - اِجْتَهَدَ - اَمَامَ - تَقَهَّدَ - وَّرَاءَ - بَعْدَ ۱) ..... = ..... ۲) ..... = .....	۰/۵
۳	عَبِّرْ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ (کلمه ناهاهنگ را مشخص کن): ۱) <input type="radio"/> اِنْ <input type="radio"/> مِنْ <input type="radio"/> اِنَّ <input type="radio"/> مَا ۲) <input type="radio"/> غَنَاصِر <input type="radio"/> مَعَادِن <input type="radio"/> مَحَافِل <input type="radio"/> مَجَامِع	۰/۵
۴	اُكْتُبْ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ (جمع و مفرد کلمات را بنویس): ۱) الْمُثْنِيَّةُ (جمع): ..... ۲) زُمَلَاءُ (مفرد): .....	۰/۵
<b>ب) مهارت ترجمه به فارسی</b>		
۵	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَةَ (این جملات را ترجمه کن): ۱) مَنْ لَا يَسْتَمِعْ إِلَى الدَّرْسِ يَرْسُبْ. ۲) يَتَكَلَّمُ تَارَةً وَ يَهْمِسُ تَارَةً أُخْرَى. ۳) أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ. ۴) الْعَالِمُ حَيٌّ وَ اِنْ كَانَ مَيِّتًا. ۵) إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. ۶) فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَيَّ طَلْبَهُ. ۷) مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ. ۸) كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا.	۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۵
۶	اِنتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ (جمله صحیح را انتخاب کن): ۱) النَّاسُ أَعْدَادٌ مَا جَهِلُوا: الف مردم دشمن نادانی اند. <input type="radio"/> ب مردم دشمن چیزی هستند که بدان آگاه نیستند. <input type="radio"/> ۲) «وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ»: الف و هر آنچه از نیکی انجام می دهید خدا می داند. <input type="radio"/> ب و هر آنچه از کار نیکی انجام دهید خدا آن را می داند. <input type="radio"/>	۰/۵

ردیف	سؤالات	نمره
۱۳	صَغِ فِي الْفَرَاغِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ (کلمه واحد زائده) (در جاهای خالی عدد مناسب را بنویس. یک کلمه اضافی است): <input type="radio"/> ۱ خَيْرُ الْكَلَامِ <input type="radio"/> ۲ لَيْنٌ <input type="radio"/> ۳ الْمَعْجَمُ <input type="radio"/> ۴ إِغْصَارُ <input type="radio"/> ۵ نَفْدٌ <input type="radio"/> کتاب یَضُمُّ مُفْرَدَاتٍ لِفُوقِیَّةٍ وَ شُرْحًا لِهَذِهِ الْمُفْرَدَاتِ. <input type="radio"/> ریح تَهَبُّ بِشِدَّةٍ وَ تُثْبِرُ الْعُبَارَ. <input type="radio"/> ما قَلَّ وَ دَلَّ. <input type="radio"/> لم یبقَ منه شیءٌ.	۱/۵

### آزمون (نوبت اول)

ردیف	سؤالات	نمره
<b>الف) مهارت واژه شناسی</b>		
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتِهَا حَطَّ (کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده، ترجمه کن): <input type="radio"/> ۱ و إن كانَ مُرًّا: <input type="radio"/> ۲ یئسَ الإِسْمُ الْفُسُوقُ:	۰/۵
۲	أَكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُضَادَّتَيْنِ: (دو کلمه مترادف و متضاد در جای خالی بنویس): زَرَعَ - مِيتَ - غَرَسَ - حَفَى - حَتَّ - مَزَارَعَ <input type="radio"/> ۱ = ..... <input type="radio"/> ۲ ≠ .....	۰/۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ (کلمه ناهاهنگ را مشخص کن): <input type="radio"/> ۱ زُبُوت <input type="radio"/> ۲ ثَعْلَبُ <input type="radio"/> ۳ فَلَاحُ <input type="radio"/> ۴ كَلْبُ <input type="radio"/> ۱ مَوْطَفُ <input type="radio"/> ۲ لَيْنُ <input type="radio"/> ۳ ذَنْبُ	۰/۵
۴	أَكْتُبِ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ (جمع و مفرد کلمات را بنویس): <input type="radio"/> ۱ الأَثْمَارُ (مفرد): <input type="radio"/> ۲ النَّصُّ (جمع):	۰/۵
<b>ب) مهارت ترجمه به فارسی</b>		
۵	إِنْخَبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ (جمله صحیح را انتخاب کن): <input type="radio"/> ۱ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ: <input type="radio"/> ۲ لَكِنَّ الْخَكْمَ مَا قَبْلَ الْهَدَفِ: <input type="radio"/> ۱ بَ أَنْ أَزْمِهِمُ تَرِينِ دَلَائِلِ قَطْعِ إِرْتِبَاطِ مِیَانِ مَرْدَمِ اسْتِ. <input type="radio"/> ۲ بَ اِمَا قَاضِي هَدَفِ رَا قَبُولِ نَمِي كَرْدِ.	۰/۵





ردیف	سؤالات	نمره
	<b>(د) مهارت درک و فهم</b>	
۱۲	ضَع في الفَراغ العدد المناسب: (كلمة زائدة) (در جاهای خالی عدد مناسب را بنویس. یک کلمه اضافی است) <input type="checkbox"/> ۱ تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ <input type="checkbox"/> ۲ الشَّرِيفُ <input type="checkbox"/> ۳ المِسْكُ <input type="checkbox"/> ۴ الفَرءُ <input type="checkbox"/> ۵ العَصْرُ الجَاهِلِيّ <input type="checkbox"/> المَرْحَلَةُ التَّارِيخِيَّةُ ما قَبْلَ الإِسْلامِ. <input type="checkbox"/> عِطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ. <input type="checkbox"/> يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الأُسْلُوبِ وَ البَيَانِ. <input type="checkbox"/> قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تُوضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.	۲
۱۳	إِمْلَأ الفَراغ مُسْتَعِيناً بالترجمة (با استفاده از ترجمه، جای خالی را پر کنید): <input type="checkbox"/> ۱ وَ عَلَى ما فَعَلْتُمْ نادِمِينَ: ویران چه انجام دادید پشیمان گردیدید. <input type="checkbox"/> ۲ عبد غيرك: بنده غیر خودت نباش.	۱

### آزمون (نوبت دوم)

ردیف	سؤالات	نمره
	<b>(الف) مهارت واژه‌شناسی</b>	
۱	تَرجمِ الكَلِماتِ الَّتِي تَحْتِها حَطُّ (کلماتی را که با خط مشخص شده‌اند، ترجمه کن): <input type="checkbox"/> ۱ لِلحِوارِ الدِّينِي وَ الثَّقافِي <input type="checkbox"/> ۲ تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ	۰/۵
۲	أَكْتُبِ في الفَراغِ الكَلِمَتَيْنِ المُرادَتَيْنِ وَ الكَلِمَتَيْنِ المُضادَتَيْنِ (در جاهای خالی کلمات مترادف و متضاد را بنویس): حَفَفٌ - أَزهارٌ - أَطيبٌ - ظاهِرٌ - أَحَلٌّ - أَفْضَلُ <input type="checkbox"/> ۱ _____ <input type="checkbox"/> ۲ _____	۰/۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ في المَعْنِي (کلمه‌ای را که در معنا متفاوت است، مشخص کن): <input type="checkbox"/> ۱ إثم <input type="checkbox"/> ۲ زِيوت <input type="checkbox"/> ۳ دَنْبُ <input type="checkbox"/> ۴ مُزارع <input type="checkbox"/> ۵ حِصَّةُ <input type="checkbox"/> ۶ مُوظَّفُ <input type="checkbox"/> ۷ خَطيئةُ <input type="checkbox"/> ۸ عامِلُ	۰/۵
۴	أَكْتُبِ مُفْرَدًا أَوْ جَمَعَ الكَلِمَتَيْنِ (مفرد و جمع کلمات را بنویس): <input type="checkbox"/> ۱ كِبائِرُ: _____ <input type="checkbox"/> ۲ دِواءُ: _____	۰/۵
	<b>(ب) مهارت ترجمه به فارسی</b>	
۵	إِنْتخِبِ التَّرجمة الصَّحيحة (ترجمه صحیح را انتخاب کن): <input type="checkbox"/> ۱ بدأتِ المباراةُ وَ هُوَ لَمْ يَرجعِ إلى المَلْعَبِ: الف مسابقه آغاز شد و او به ورزشگاه بر نمی‌گردد. <input type="checkbox"/> ۲ إن كَذِبْتَ تَواجِهُ المَشاكِلَ: الف اگر دروغ بگویی با مشکلات روبه‌رو می‌شوی. <input type="checkbox"/> ۳ مسابقه شروع شد و او به ورزشگاه بازنگشت. <input type="checkbox"/> ۴ چون دروغ گفتم با مشکلات مواجه شدم.	۰/۵